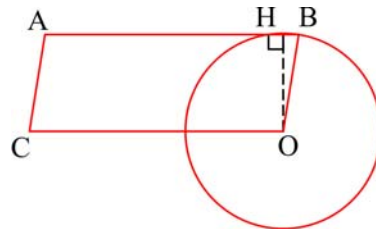


۱. گزینه ۲

تحلیل مسأله:



$$S_{ABOC} = \text{قاعده} \times \text{ارتفاع} = AB \times OH \quad (*)$$

دقت کنید:

مماس بودن ضلع AB بر دایره مشخص نیست، چرا که در صورت مسأله هیچ اشاره‌ای به آن نشده است. این سوال از نوع «تعیین مقدار» است، در نتیجه اطلاعاتی کافی خواهد بود که بتواند یک مقدار عددی منحصر به فرد را برای مساحت متوازی‌الاضلاع ABOC تعیین کند.

ارزیابی اطلاعات:

✗ اطلاع (I) به تنهایی کافی نیست، زیرا این اطلاع فقط اندازه شعاع دایره را مشخص می‌کند اما هیچ اطلاعاتی از متوازی‌الاضلاع نمی‌دهد (حتی اگر ضلع AB بر دایره مماس باشد این اطلاع فقط ارتفاع متوازی‌الاضلاع را مشخص می‌کند که باز هم برای محاسبه مساحت کفایت نمی‌کند زیرا قاعده متوازی‌الاضلاع را نداریم)
(I): $r = 5 \rightarrow S_{ABOC} = ?$

✗ اطلاع (II) به تنهایی کافی نیست، از آنجاکه شعاع در نقطه تماس بر خط مماس عمود است بنابراین ارتفاع متوازی‌الاضلاع همان شعاع دایره خواهد بود اما مقدار آن مشخص نیست (اگرچه که طول قاعده نیز مشخص است):

$$(II): \begin{cases} AB = 8 \\ OH = r \end{cases} \xrightarrow{(*)} S_{ABOC} = 8 \times r = ?$$

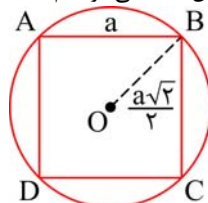
✓ هر دو اطلاع با هم کفایت می‌کنند. چرا که این دو اطلاع به کمک هم اندازه قاعده و ارتفاع متوازی‌الاضلاع را مشخص می‌کنند و در نهایت مساحت آن تعیین می‌شود:

$$(I), (II): \begin{cases} AB = 8 \\ OH = r = 5 \end{cases} \xrightarrow{(*)} S_{ABOC} = 8 \times 5 = 40.$$

۲. گزینه ۳ درست است.

تحلیل مسأله:

در صورتی که a طول هر ضلع مربع باشد، با توجه به اینکه قطر دایره محیطی و مربع یکسان است می‌خواهیم محیط دایره را محاسبه کنیم:



$$\text{محیط دایره} = 2\pi r = a\sqrt{2}\pi = ?$$

این سوال از نوع «تعیین مقدار» است، در نتیجه اطلاعاتی کافی خواهد بود که بتواند یک مقدار عددی منحصر به فرد را برای محیط دایره تعیین کند.

ارزیابی اطلاعات:

✓ اطلاع (I) به تنهایی کافی است، زیرا با مشخص کردن مقدار عددی a به راحتی می‌توان محیط دایره را محاسبه نمود:

$$\text{محیط دایره} = a\sqrt{2}\pi \xrightarrow{(I): AB=a=4} = 4\sqrt{2}\pi$$

✓ اطلاع (II) به تنهایی کافی است، چرا که با مشخص کردن مقدار عددی a به آسانی می‌توان محیط دایره را محاسبه کرد:

$$= a\sqrt{2}\pi \xrightarrow{(II): OB=\frac{a\sqrt{2}}{2}=2\sqrt{2} \rightarrow a=4} = 4\sqrt{2}\pi$$

۳. گزینه ۱

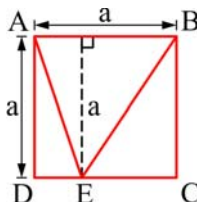
تحلیل مسأله:

این سوال از نوع «تعیین مقدار» است، در نتیجه اطلاعاتی کافی خواهد بود که بتواند یک مقدار عددی منحصر به فرد را برای نسبت زیر تعیین کند:

$$\frac{S_{\triangle ABE}}{S_{ABCD}} = ?$$

ارزیابی اطلاعات:

✓ اطلاع (I) به تنهایی کافی است، چرا که به کمک این اطلاع



$$\begin{cases} S_{ABCD} = a^2 \\ S_{\triangle ABE} = \frac{a \times a}{2} \end{cases} \rightarrow \frac{S_{\triangle ABE}}{S_{ABCD}} = \frac{1}{2}$$

✗ اطلاع (II) به تنهایی کافی نیست، در واقع مساحت مثلث به اندازه قاعده و ارتفاع آن ارتباط دارد. و با جا به جایی نقطه E روی خط DC تغییر نمی‌کند. بنابراین اطلاع (II) به تنهایی کفایت نمی‌کند.

۴. گزینه ۱

بخش اول ادعایی (نتیجه‌ای) در خصوص مشکلات یک پدیده مطرح کرده و سپس در ادامه به ارائه دلایلی برای آن می‌پردازد. در بخش دوم با بیان مصداقهای از ادعای مورد نظر بر روی آن صحنه می‌گذارد.

✓ گزینه ۱: پاسخ درست - بخش اول ادعایی را مطرح می‌کند که در ادامه متن به اثبات آن می‌پردازد، بخش دوم با بیان مثالهایی در حوزه‌های مختلف در خصوص ادعای بخش اول آن را تایید می‌کند.

✗ گزینه ۲: اگرچه بخش اول را می‌توان یک معضل دانست، اما بخش دوم به هیچ‌وجه آنرا تعدیل نمی‌کند بلکه آنرا تایید می‌کند.

✗ گزینه ۳: در استدلال متن هیچ اشاره‌ای به وجود یک تناقض دیده نمی‌شود.

✗ گزینه ۴: نه بخش اول به یک ناسازگاری اشاره می‌کند و نه بخش دوم راهی برای برون رفت از آنرا معرفی می‌کند.

۵. گزینه ۱

متن فوق در باره فرضیه جبران است، ابتدا بیان می‌کند که جهانی شدن اقتصاد چه عواقبی را برای جامعه و اقتصاد ملی به دنبال دارد. سپس به ارائه دلایلی در این خصوص برای دولت‌ها می‌پردازد. در ادامه (بخش اولی) نتیجه‌ای را بر این اساس عنوان می‌کند. (لذا). در بخش آخر (دومی) با نقل قول از شخصی که فرضیه جبران را تدوین کرده است. شرایط خاصی را مطرح می‌کند (در اقتصادهایی که) تا نتیجه‌گیری اولی را توجیه و تقویت کند.

✓ گزینه ۱: پاسخ درست - اولی با استفاده از کلمه «لذا» نتیجه‌گیری را مطرح می‌کند که براساس اطلاعات داده شده‌ی قبل از آن قابل برداشت است، دومی ادعایی (نتیجه‌ای) است که با بیان شرایطی خاص (در اقتصادهایی که ...) بتواند اولی را توجیه و تقویت کند.

✗ گزینه ۲: حتی اگر قبول کنیم اولی، یک قضاوت است، اما دومی به هیچ‌وجه ادله‌ای برای اولی نخواهد بود چرا که اولی نتیجه‌ای است که براساس دلایلی که قبل از آن مطرح شده، قابل استنباط است.

✗ گزینه ۳: اولی به هیچ وجه نمی‌تواند «دلیل، گواه، شاهد یا فرض» باشد، چرا که با کلمه «لذا» شروع شده است که یک نشانگر نتیجه‌گیری است. اگرچه دومی با بیان شرایطی اولی را تقویت می‌کند.

✗ گزینه ۴: اولی به هیچ وجه نمی‌تواند «دلیل، گواه، شاهد یا فرض» باشد، چرا که با کلمه «لذا» شروع شده است که یک نشانگر نتیجه‌گیری است. در عین حال دومی قیاسی برای تعدیل اولی نیست. (تعدیل به معنی این است که با تعیین شرایطی از بیان افراطی جلوگیری کند).